

کنش  
اجتماعی

## بامعه شناسی سه

### پایه نوازی همی

نام دبیر: مریم یابنده جهرمی  
استان فارس: شهرستان مرودشت

Lm.yabandeh@Hotmail.com

درس چهارم

YABANDEH

۴



اواخر سال ۱۳۹۲ ه. ش. داعش یک روزه موصل، مرکز استان نینوا را با جمعیتی بالغ بر دو میلیون و هفتصد هزار نفر اشغال کرد و آن را پایتخت حکومتش اعلام نمود. سپس با ارتشی در حدود ۲۰۰ هزار نفر به سوی استان صلاح الدین هجوم برد و پس از مدت کوتاهی تقریباً تمام استان صلاح الدین را نیز تصرف کرد. داعش در تدارک جشن پیروزی بود که خبر رسید یکی از شهرهای کوچک این استان به نام آمرلی که فقط ۲۰ هزار نفر جمعیت داشت، در برابر داعش مقاومت می کند. آنها آب و برق این شهر را قطع کردند و مسیرهای ارسال غذا و دارو به شهر را بستند، اما مردم آمرلی می خواستند با تکیه بر ظرفیت های بومی و فرهنگی خود و برخلاف نظم و نظریات معمول، در برابر ۲۰۰ هزار داعشی بایستند. آنها با کمترین نیرو و امکانات نظامی، ۸۰ روز مقاومت کردند تا در نهایت گروه های مقاومت عراق خود را به این شهر رساندند و حصر آمرلی شکسته شد. الگوی مقاومت آمرلی، نظامی نبود بلکه کاملاً فرهنگی بود. مردمان این شهر سرباز نبودند ولی متعهد بودند. انتشار خبر پیروزی آمرلی برای داعش بسیار گران تمام شد؛ زیرا دیگر شهرهای عراق با همین الگو، در برابر داعش ایستادند و سه سال بعد موصل آزاد شد.

مبارزه نظامی همان گونه که از نامش پیداست از نظم مشخصی پیروی می کند، اما شکل دیگری از مبارزه وجود دارد که به جنگ های نامنظم شهرت یافته است. جنگ های نامنظم مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی سربازان داوطلب محلی یک منطقه است که قادرند در موقعیت بومی خود، با امکانات محدود حتی در برابر تهاجم یک ارتش بزرگ نیز مقاومت کنند. سربازان جنگ های نامنظم به جای اجرای نقشه های از پیش برنامه ریزی شده، متناسب با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی، عمل می کنند.

اولین بار شهید مصطفی چمران اصطلاح «جنگ های نامنظم» را به کار برد و روش های ویژه ای را برای آن ابداع کرد. مقاومتی که مردم مسلمان آمرلی انجام دادند نمونه ای بارز از جنگ های نامنظمی است.

جنگ نامنظم همانند مبارزات چریکی از نظم موجود پیروی نمی کند، بلکه از آن فراتر می رود و با ارزش ها و معانی پیوند می خورد. سربازان جنگ های نامنظم به خاطر انگیزه های اخلاقی و آرمان های معنویشان، توانی فراتر از نظم موجود به دست می آورند.

- اولین بار شهید مصطفی چمران اصطلاح «جنگ های نامنظم» را به کار برد.
- مقاومتی که مردم مسلمان آمرلی انجام دادند نمونه ای بارز از جنگ های نامنظم است.
- جنگ نامنظم همانند مبارزات چریکی از نظم موجود پیروی نمی کند،
- جنگ نامنظم از نظم ظاهری متداول فراتر می رود و با ارزش ها و معانی پیوند می خورد.
- سربازان جنگ های نامنظم به خاطر انگیزه های اخلاقی و آرمان های معنویشان، توانی فراتر از نظم موجود به دست می آورند.

## اشکال مبارزه

## جنگ نامنظم

نوعی مبارزه  
مبتنی بر آگاهی فرهنگی و جغرافیایی  
سربازان داوطلب محلی یک منطقه است  
که متناسب  
با موقعیت خاص جغرافیایی و فرهنگی،  
عمل می کنند.

## مبارزه نظامی

نوعی مبارزه است که  
از نظم مشخص  
و  
نقشه های از پیش برنامه ریزی شده  
استفاده می نماید .

در درس گذشته آموختید:

« هر جامعه نظامی دارد. این نظم تا حد زیادی حاکم بر افراد است و به عملکرد و اقدامات آنها شکل می دهد.»

- میزان این تسلط و تعیین کنندگی تا کجاست؟
- آیا ساختارهای اجتماعی، مسلط بر انسان ها هستند و سرنوشت آنها را تعیین می کنند؟

### پاسخ :

برخی گمان می کنند که افراد قدرت مقاومت در برابر ساختارها و ایجاد تغییر در آنها را ندارند  
اما

همان طور که می دانید **کنش اجتماعی خشت بنای جامعه است و تمامی پدیده های اجتماعی خرد و کلان با کنش های اجتماعی پدید می آیند و ساختارهای اجتماعی، هر چقدر هم جا افتاده و با سابقه باشند، با کنش های افراد به وجود آمده اند و برقرارند.**

و از آن جا که همه ما عضوی از جامعه هستیم، با کنش های اجتماعی خود، **در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثر گذاریم.** اگرچه **میزان تأثیرگذاری همه افراد یکسان نیست** و برخی از صاحبان مشاغل و مسئولیت ها، اثرگذاری بیشتری نسبت به سایرین دارند.

## مثال ۱:

تاجری میان سال، واردکننده لوازم خانگی است. او سر و کار زیادی با اداراتی مانند گمرک و دارایی دارد و تلاش می کند تا کار خود را در این ادارات به ساده ترین و سریع ترین شکل ممکن، پیش ببرد. به همین دلیل با برخی مسئولان و کارکنان این ادارات روابط دوستانه برقرار کرده و گاهی به آنها هدایای چشم گیری می دهد. البته از این امر چندان راضی نیست ولی آن را تنها راه پیشبرد کارهایش می داند. او معتقد است که سیستم اداری کشور فاسد است و کاردر این سیستم فقط با پرداخت رشوه و برقراری رابطه انجام می شود.

**اما توجه کنید:**

آقای تاجر به عنوان یک وارد کننده کالا یا پرداخت کننده مالیات، فردی بیرون از این نظام اداری نیست بلکه خود عضوی از آن است و با اقدامات خود همچنان که می تواند در تداوم و تثبیت آن نقش داشته باشد، می تواند موجب تغییر و تحول در آن نیز بشود. او با برقراری روابط دوستانه و پرداخت رشوه، خود به تداوم فساد که از آن گله مند است کمک می کند. اگر از پرداخت هدیه و رشوه برای پیشبرد کار خود صرف نظر کند و در این صنف دیگران را نیز بدان تشویق کند، هر چند با موانع و دشواری هایی مواجه می شود، اما به سهم خود در اصلاح این ساختار و حذف فساد در آن می کوشد و چه بسا به مرور در این تغییر کامیاب و موفق شود.

مثال ۲:

کارمند با سابقه یکی از ادارات دولتی شهر تهران از منزل تا اداره راه زیادی دارد. هرچند می تواند با مترو یا اتوبوس تندرو به محل کار برود اما اغلب ترجیح می دهد از ماشین خود استفاده کند، چون تحمل معطلی و شلوغی را ندارد. او از ترافیک سنگین خیابان ها و حجم بالای سرب و دود و آلودگی در هوا گله مند و شاکی است و معتقد است مسئولان به درستی به وظایف خود عمل نمی کنند؛ برای همین، این مشکلات سال ها است که حل نشده باقی مانده اند.

**اما توجه کنید :**

آقای کارمند با استفاده از ماشین خود، در تداوم ترافیک شهری و آلودگی هوا سهیم است و اگر از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کند، می تواند در حل این مشکلات مؤثر باشد.

نتیجه گیری :

نظام اداری کشور ما نارسایی هایی دارد و فرصت ها و محدودیت هایی برای کنشگران ایجاد می کند . اما این نظام اداری محصول کنش های مدیران، کارکنان، قانون گزاران و مراجعان است .

مثال های ذکر شده نشان می دهد که مشکلات و مسائل اجتماعی بیرون از دایره نفوذ و تأثیر ما نیستند و این گونه نیست که فقط افراد خاصی مثل مسئولان و مدیران بتوانند بر آنها تأثیر بگذارند. همه ما از آنجا که عضوی از جامعه هستیم، با کنش های اجتماعی خود، در حفظ وضع موجود یا تغییر آن اثرگذاریم. اما میزان تأثیرگذاری همه افراد یکسان نیست . و صاحبان برخی مشاغل و مسئولیت ها، اثرگذاری بیشتری نسبت به سایرین دارند.

زندگی اجتماعی انسان و نظم همزاد هم هستند، اما انسان ها صرفاً مجریان نظم نیستند بلکه قادرند با توجه به ارزش ها و آرمان های خود نظم اجتماعی را تغییر دهند و از مشکلات احتمالی ساختارهای اجتماعی بکاهند. به هر میزان که این ارزش ها و آرمان ها والاتر وانگیزه ها قوی تر باشد، تغییر مهم تری رقم خواهد خورد.



ممکن است تاجر نامبرده مشکلات زیادی را تحمل کند اما برای حفظ منافع اقتصادی اش انگیزه زیادی برای تغییروضع موجود نداشته باشد. یا کارمند مذکور با مشکلات شهری متعددی مواجه باشد، اما برای حل آنها هیچ اقدامی نکند. در مقابل، ممکن است عموم مردم چنان انگیزه ای پیدا کنند که آغازگر حل یک بحران جهانی شوند؛ آن گونه که مقاومت مردم آمرلی سرآغاز فروپاشی حکومت خودخوانده داعش شد.



## طرح یک سوال

فرض کنید بحث شما با دوستتان بالا بگیرد. او عصبانی شده و می خواهد با شما درگیر شود، شما در چنین موقعیتی چه انتخاب هایی دارید؟

- لبخندی به دوستم می زدم و محیط را ترک می کنم .
- با دوست دیگری گفت وگو می کنم .
- از کیفم کتابی بیرون می آورم و مشغول مطالعه می شوم و ...
- با او درگیر می شوم و حتی خدای ناکرده به زد و خورد می پردازم .

دقت کنید :

همه این انتخاب ها کنش اجتماعی محسوب می شوند، یعنی فعالیت معناداری که مرتبط با دیگری است. و ما باید در چنین وضعیتی پیامدهای کنش های خود را نیز در نظر بگیریم .

مهم ترین تفاوت انسان با پدیده های طبیعی چیست ؟ مثال بزنید .

این است که انسان ها در موقعیت های یکسان، کنش های گوناگونی از خود بروز می دهند .

مثلاً

فلزات، نقطه جوش و ذوب مخصوص به خود را دارند، اما انسان ها این گونه نیستند؛ برخی انسانها زود جوش می آورند، به سرعت عصبانی می شوند و از کوره در می روند اما بعضی دیگر صبورند و دیر عصبانی می شوند.



چرا کنش انسان را نمی‌توان تنها با روش تجربی تحلیل نمود؟

انسان‌ها آگاهانه عمل می‌کنند و عملشان معنا دار است و در شرایط گوناگون رفتارهای متفاوتی از خود نشان می‌دهند و روش تجربی توان فهم معانی کنش انسان‌ها را ندارد.

□ رویکرد تبیینی بر آنچه مشاهده می‌شود، تمرکز می‌کند و اغلب معنای کنش و آنچه درون انسان می‌گذرد را نادیده می‌گیرد.

پیامدهای نادیده گرفته‌شده کنش اجتماعی عبارت‌اند از:

معنا زدایی

ارزش زدایی

خلاقیت زدایی

## منظور از خلاقیت زدایی چیست؟

کنش اجتماعی **ارادی** است. اما جامعه‌شناسان تبیینی با تأکید بیش از اندازه بر **نظم اجتماعی** و یکسان دانستن نظم اجتماعی با نظم طبیعی، اراده و خلاقیت انسان‌ها را نادیده می‌گیرند زیرا بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق چه ارزش‌ها و آرمان‌هایی است، آن را رعایت کنند.

تأکید افراطی بر نظم اجتماعی سبب سرکوب روحیهٔ خلق انسان‌ها در بسیاری از عرصه‌ها مانند هنر، ارتباط و اندیشه می‌شود.

انقلاب‌های اجتماعی، اندیشه‌های جدید، شاهکارهای هنری و اختراعات بزرگ هنگامی رخ می‌دهند که از نظم موجود گامی فراتر می‌گذارد.

تأکید افراطی بر نظم به تدریج سبب می‌شود افراد بدون آنکه بدانند این نظم برای تحقق چه ارزش‌ها و آرمان‌هایی است، آن را رعایت کنند.

ماکس وبر از این نظم که گویی جدا از انسان و نیازهای واقعی اوست با عنوان **قفس آهنین** یاد می‌کند.

## منظور از ارزش زدایی چیست؟

کنش اجتماعی **هدف دار** است. برخی اهداف کنشگران قابل مشاهده اند و برخی به وسیله دیگران قابل مشاهده نیستند. ( افراد بیشتر به دنبال تحقق ارزش هایی هستند که به وسیله دیگران قابل مشاهده نیستند. در جامعه شناسی تبیینی ارزش بودن مهربانی، فداکاری و ضد ارزش بودن کینه توزی، خودخواهی قابل فهم نیست زیرا با استفاده از روش های تجربی نمی توان گفت مهربانی یک فضیلت اخلاقی و کینه توزی یک رذیلت اخلاقی است. به سبب این که بسیاری از کنش های عاطفی، هنری، اخلاقی و مذهبی با رویکرد تبیینی قابل توضیح نیستند کسانی که تنها روش های تجربی را معتبر می دانند، با انکار ارزش های عاطفی، اخلاقی، مذهبی و... دچار **اخلاق گریزی** شوند.

□ **بزرگ ترین کشتار جهان در جنگ های جهانی اول و دوم میان توسعه یافته ترین کشورها رخ داد و با فجیع ترین کشتار تاریخ بشر در هیروشیما و ناکازاکی پایان یافت. تعداد کشته های جنگ های جهانی اول و دوم را با تعداد کشته های حمله مغول به امپراتوری ایران مقایسه کنید.**

❖ **چرا پیشرفت های چشمگیر جهان غرب در حوزه صنعت و فضا به گسترده تر و عمیق تر شدن فجایع انسانی و زیست محیطی منجر شده است؟**

## منظور از معنا زدایی چیست ؟

کنش اجتماعی، **آگاهانه یا معنادار** است. نادره گرفتن معنای کنش سبب شده است که بیشتر تحلیل های تبیینی به توصیف خصوصیات و رفتارهای قابل مشاهده ما محدود شوند. این در حالی است که ما در جهان اجتماعی با افراد آگاه سروکار داریم و لازم است با توجه به تفسیر آنها از خودشان، به فهم همدلانه رفتار آنها دست پیدا کنیم.

□ برای مثال از نظر جوانان و نوجوانان عامل اصلی گرایش به اینترنت و گیم، معنایی است که استفاده از آنها برایشان دارد. بیشتر جوانان و نوجوانان استفاده هر چه بیشتر از اینترنت و گیم را با تفسیرهایی مانند به روز بودن، سرگرمی، هیجان و آزادی معنا می کنند. این قبیل معانی و انگیزه ها، عوامل اصلی حضور افراطی جوانان و نوجوانان در فضاهای مجازی است.

□ برای فهم انگیزه جوانان و نوجوانان نمی توان از روش های تجربی استفاده کرد، بلکه باید همدلانه با جوانان همراه شد تا مسائل زندگی و آرزوهای آنها را فهم کرد و آنان را یاری داد. البته همراهی همدلانه به معنای تأیید کنشگران نیست، بلکه به معنای نگاه به مسائل آنها از منظر خودشان و تلاش برای فهم آنهاست..

چه عاملی زمینه را برای عبور از جامعه شناسی تبیینی و رو آوردن به جامعه شناسی تفهیمی هموار ساخت؟

تأکید بیش از اندازه رویکرد تبیینی بر نظم اجتماعی به حذف اراده و خلاقیت؛ ارزش و اخلاق؛ آگاهی و معنا از زندگی اجتماعی می انجامد و شور زندگی را از انسان ها می گیرد.

برای جلوگیری از بروز چنین پیامدهایی، کنش اجتماعی مورد توجه برخی جامعه شناسان قرار گرفت.

نظریه پردازان کنش اجتماعی، آگاهی و معنا را مهم ترین ویژگی کنش اجتماعی می دانند و زندگی اجتماعی انسان را با تأکید بر آگاهی و معنا، مطالعه می کنند.

این جامعه شناسان ویژگی های دیگر کنش، یعنی اراده و ارزش را مهم می دانند ولی آنها را در امتداد آگاهی و تابع آن می بینند.